



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همان طور که عرض شد معروف و منکر دو کلمه ای هستند که دارای معنای بسیار وسیعی می باشند و شناخت مصادیق آنها یکی از پایه های بحث امر به معروف و نهی از منکر می باشد که شاید بر اساس زمان ها و مکان ها فرق کند از این جهت چون شناخت موضوع در بحث لازم است ما یک آماری از معروف ها و منکر ها از امام رضوان الله علیه در جلد ۲۱ دفتر تبیان عرض کردیم ایشان فرمودند اگر کسی اعلم علماء اسلام باشد اما شناختی از زمان و مقتضیات آن نداشته باشد فقیه نیست.

یکی از چیزهایی که امام رضوان الله علیه از منکرات برشمرده کاپیتولاسیون می باشد ایشان در جلد اول صحیفه نور نیز در مورد کاپیتولاسیون مطالبی را بیان فرموده اند که خواندن کلام ایشان در این رابطه هم برای ما معین می کند که این منکر در چه حدی است و هم معین می کند اساساً نهی از منکر یعنی چه نهی از منکر این نیست که فقط در کتاب ها نوشته شود بلکه انسان باید عملاً به میدان بیاید.

در زمان امام رضوان الله علیه کاپیتولاسیون واقع شد و ریشه اش به جنگ میان ایران و روسیه بر می گردد، یکی از خیانت های بزرگ قاجاریه و پهلوی این بوده که ایران را زیر سیطره غرب قرار دادند به اندازه ای اینها مقهور سیاستهای غرب شدند که فکر کردند ترقی ایران در نتیجه آن است که تبعیت از غرب کنند، بجای اینکه خودشان فکر کنند و از معارف و منابعی که اسلام در اختیارشان گذاشته برای پیشرفت استفاده کنند تبعیت محض و کامل از غرب را در پیش گرفتند در نتیجه ایران در زمان قاجاریه بسیار ضعیف بود و پادشاهان به فکر خودشان بودند و مردم در فقر فرهنگی و اقتصادی و سیاسی به سر می بردند از این جهت روسیه تزاری در آن زمان دو مرتبه به ایران حمله کرد، حمله اول تقریباً از سال ۱۲۱۸ شروع شد تا سال ۱۲۲۴ طول کشید که به عهدنامه گلستان ختم شد که بسیار حمله شدیدی بوده، میرزای قمی در کتاب "جامع الشتاة" که جواب سوالات مردم در مورد وقایع آن زمان می باشد ۲۴ فتوی صادر کرده اول اینکه بر همه مردم ایران پیر و جوان لازم است بروند و فنون رزمی را یاد بگیرند زیرا روسیه حمله کرده بوده و شهرهای ایران را یکی پس از دیگری تصرف می کرده و مسلمانان را زیر سیطره خودش می گرفته، دوم اینکه مردم به زیارت کربلاء و مشهد و حتی مکه نروند و تمام پولهای خودشان را صرف تقویت دولت کنند

برای جلوگیری از حمله روسیه، سوم اینکه از ایشان سوال می کنند اگر ما به جنگ آنها رفتیم و آنها مسلمانان را سپر انسانی قرار دادند آیا می توانیم مسلمانان را بکشیم تا پیش برویم؟ ایشان می فرمایند بله اگر راهی جز این نباشد اشکالی ندارد، خلاصه ایشان ۲۴ فتوی در این رابطه صادر کرده اند ولی خب آخر کلامشان می فرمایند اما حیف که با گفتن شیرینی دهان شیرین نمی شود ما اختیاری نداریم و فقط فتوی می دهیم چون در آن زمان فقهاء بسط ید نداشته اند، جنگ اول واقع شد و رفتند و شکست خوردند زیرا زمان فتحعلی شاه قاجار بود و مردم زیر سیطره کفار و روسیه بودند و چند دشمن در مقابل ما بودند من جمله دولت عثمانی و روسیه و انگلیس، و ایران نیز فوق العاده ضعیف بود و فرهنگ جهاد و شهادت نیز در بین مردم حاکم نبود خلاصه شکست خوردند و عهدنامه گلستان بسته شد، بعد از این موضوع مردم آن چند شهر ایران که دولت روسیه تصرف کرده بود نامه هایی به علماء نوشتند که اینها بچه های ما را طبق فرهنگ کفر تربیت می کنند و ما حتی از جهت نوامیس خود در امنیت نیستیم، فتحعلی شاه گفت از من کاری بر نمی آید و بالاخره سید محمد مجاهد که از علماء بزرگ آن زمان بود لشکری جمع کرد و از نجف حرکت کرد برای جهاد با روسیه و کفار البته ایشان تنها نبود بلکه چهل نفر از مجتهدین ایران و عتبات من جمله حاج ملا احمد نراقی و ملا محمد تقی برقانی کفن پوشیدند او را همراهی کردند این جنگ دوم تقریباً در سال ۱۲۴۲ واقع شد و سه الی چهار سال طول کشید منتهی باز هم شکست خوردند، در این جنگ دوم که شکست خوردند عهدنامه ترکمنچای به عنوان پایان نامه برای جنگ نوشته شد، یک ماده ای در آن است که الان کاپیتولاسیون نامیده می شود که طبق آن اتباع دولت غالب و مسلط در کشور مغلوب و مسلط علیه آزادند تا هرکاری و هر جرم و جنایتی که خواستند بکنند و دولت مغلوب حق ندارد آنها را بازداشت و بازخواست و محاکمه کند بلکه فقط در دولتهای خودشان باید به اموراتشان رسیدگی شود، این عهدنامه بود تا زمان پهلوی که مرحوم آیت الله مدرس رضوان الله علیه در مجلس تلاش های فراوانی کرد و کاپیتولاسیون را ملغی کرد اما دوباره در زمان امام رضوان الله علیه حسنعلی منصور این ماده را به نفع آمریکا تنظیم کرد و به مجلس برد و مجلس نیز دوباره کاپیتولاسیون را تصویب کرد، به امام رضوان الله علیه خبر دادند که کاپیتولاسیون در مجلس تصویب شده، روزی بعد از درس در خدمت امام رضوان الله علیه بودم که به بنده فرمودند شما به منزل من بیایید یک نامه ای از مجلس به دست من رسیده من می خواهم فردا در مورد آن صحبت کنم شما شب این نامه را مطالعه کنید و هر کجا که لازم است درباره آن صحبت کنم خطی به زیرش بکشید، بنده به منزل ایشان رفتم و نامه را گرفتم و

امروز که دولت‌های مستعمره یکی پس از دیگری با شهادت و شجاعت، خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن ۲۵۰۰ ساله، با لاف همدریف بودن با ممالک مترقیه، به ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولتهای بی‌حیثیت رأی می‌دهد، و ملت شریف ایران را پست‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین ملل به عالم معرفی می‌کند؛ و با سرافرازی هر چه تمام‌تر دولت از تصویب‌نامه غلط دفاع می‌کند و مجلس رأی می‌دهد. از بعضی منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه، آلمان غربی، پیشنهاد کرده‌اند، و هیچ‌کدام زیر بار این اسارت نرفته‌اند. تنها دولت ایران است که اینقدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می‌کند و آن را به باد فنا می‌دهد.

علما و روحانیون که می‌گویند باید قدرت سرنیزه در مقدرات کشور دخالت نکنند، باید وکلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمنا نظارت در آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب نمایند، برای آن است که این ننگها را بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبتها نمایند. چرا وکلای پارلمان، با آنکه به حسب قاعده انسانیت و ملیت با همچو سند اسارتی صد در صد مخالف هستند، نفس نمی‌کشند؛ و جز دو سه نفر آنها، که معلوم است با اضطراب صحبت کرده‌اند، خاموش نشسته‌اند؟ برای آنکه اتکا به ملت ندارند، دست نشانده هستند، و قدرت مخالفت ندارند، آنها را با یک اشاره بیرون می‌ریزند؛ به زندان می‌اندازند.

آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش به جای سوگند به قرآن مجید، «سوگند به کتاب آسمانی که به آن اعتقاد دارم» یاد کرده‌اند؟ این همان خطری است که کراراً تذکر داده‌ام: خطر برای قرآن مجید؛ برای اسلام عزیز؛ خطر برای مملکت اسلام؛ خطر برای استقلال کشور.

من نمی‌دانم دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است، از پناه به اسلام و قرآن چه ضرری برده است که اینقدر پافشاری برای محو اسم آن می‌کند. اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد؛ اجازه نمی‌دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پامال شود. جدابودن ملت از هیأت حاکمه، برخوردار نبودن آنها از پشتیبانی ملت، این مصیبت‌ها را پیش می‌آورد.

اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است، و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند؛ وکلای سرنیزه هستند! رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. و اگر اجنبیها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد... الی آخر».

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

شب مطالعه کردم و آن مواردی که به نظرم می‌رسید را خط کشیدم و فردا به خدمت ایشان رسیدم و ایشان در روز ۴ آبان سال ۱۳۴۳ شمسی درباره کاپیتولاسیون سخنرانی کردند که فرمایشات ایشان در جلد اول صحیفه نور صفحه ۴۰۹ ذکر شده است، امام رضوان الله علیه با آیه شریفه: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾<sup>۱</sup> فرمایش خودشان را شروع کردند، این آیه پایه یکی از قواعد فقهی ما می‌باشد که دلالت دارد بر اینکه هیچوقت اسلام تسلط کفار بر مسلمین را قبول ندارد مثلاً در فقه ما ذکر شده که مرد مسلمان می‌تواند زن کافر اهل کتاب را بگیرد اما زن مسلمان هیچوقت نمی‌تواند با مرد کافر ازدواج کند زیرا باعث تسلط کافر بر مسلمان می‌شود.

مقداری از فرمایشات امام رضوان الله علیه را می‌خوانیم تا منکر در نظر ایشان معلوم و مشخص شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می‌داند مجلس، به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضا کرد، اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به امریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما؟ قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گرافهای چندین ساله سران قوم؟ ایران را از عقب افتاده‌ترین ممالک دنیا پست‌تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب‌منصبان و درجه‌داران نمود؟ حیثیت دادگاه‌های ایران را پایمال کرد؟ به ننگین‌ترین تصویب‌نامه دولت سابق، با پیشنهاد دولت حاضر، بدون اطلاع ملت، با چند ساعت صحبت‌های سری، رأی مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت امریکایی‌ها قرار داد؟ اکنون مستشاران نظامی و غیرنظامی امریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند؛ پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد. دادگاه‌های ایران حق رسیدگی ندارند. چرا؟ برای آنکه امریکا مملکت دلار است، و دولت ایران محتاج به دلار!

به حسب این رأی ننگین، اگر یک مستشار امریکایی یا یک خادم مستشار امریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب‌منصبان عالیرتبه ایران، هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید، پلیس حق بازداشت او را ندارد؛ محاکم ایران حق رسیدگی ندارد. ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود، پلیس باید دخالت کند؛ دادگاه باید رسیدگی نماید!

<sup>۱</sup> سوره نساء، آیه ۱۴۱.